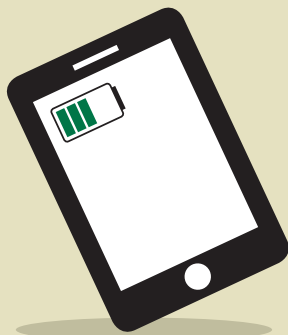


توانمند باش تا پاسخگو باشی

یکی از گرفتاری‌های جامعه امروز ما روزمرگی است. مشغله‌ها و مشکلات گاهی مانند یک کلاف سردرگم چنان ما را درگیر می‌کنند که از آینده و هدفی که برای معلم شدن خود داشتیم غافل می‌شویم. معلمی امروزی با معلم صرف بودن متفاوت است. معلمی یعنی عرصه و ساحتی که باید برای هر روز خود توانمند شوی تا بتوانی پاسخگو باشی؛ پاسخگوی خود، دانش‌آموزان خود و خدای خود. در نوشته‌ها و گفت‌وگوهای دکتر **محمد رضا سرکار آرائی** در خصوص ضرورت توانمندسازی معلم، به‌عنوان یکی از راهبردهای تحول در آموزش و پرورش، نکات بسیار مهمی برای سیاست‌گذاران، مدیران و معلمان آموزش و پرورش مطرح است:



دستاوردهای ناشی از
تعلیم و تربیت و معلمان
خوب، از نظر منافع ملی (اعم



از منافع حفظ بقا، حیاتی و مهم) جزو
منافع سطح اول (منافع حفظ بقا)
محسوب می‌شوند؛ منافعی که دسته‌ها و
سطح‌های بعدی در خدمت آن قرار دارند.

برنامه‌های آموزشی به‌مثابه
راهبردی برای حفظ امنیت
ملی محسوب می‌شوند. برای



مثال، هیئت تدوین راهبرد امنیت ملی
آمریکا در قرن ۲۱ به رئیس‌جمهور و
کنگره این کشور توصیه می‌کند که قانون
«امنیت ملی و آموزش علوم و فناوری» را
تدوین و تصویب کنند؛ چرا که می‌دانند
توجه به آموزش از منظر امنیت ملی، به
برنامه‌هایی برای توسعه توانایی‌های
حرفه‌ای معلمان به‌ویژه در آموزش علوم و
ریاضیات نیازمند است. بر این اساس، آن
هیئت پیشنهاد می‌کند بودجه‌های کلانی
که در این راستا برای بهسازی آموزش و
توانمندسازی معلم نیاز است، از ردیف
بودجه امنیت ملی تأمین شود.

در همه فصول برنامه
مفصل «راهبردهای امنیت
ملی آمریکا در قرن
بیست و یکم» به «آموزش» و «معلم»
پرداخته شده است. تکاپوی جهانی برای
تغییر آموزش دست‌کم ناظر به آینده
علمی و فناوری‌های ناشی از آن است.



مرزهای جدید دانش،
کودکان ناآرام، سرعت و
هیجان بازی‌های الکترونیکی
و فیلم، نسل‌های پرشتاب، نیازها و رازهای
تازه، تحکم و تسلط فناوری‌های نرم،
پیچیده و فرهنگ‌ساز، همگی نیاز به
برنامه‌های تربیتی غنی، به‌ویژه «معلم
توانمند و هویت‌ساز» را بیش از پیش
آشکار ساخته‌اند.



تحولات شتابان جهان امروز
انسان را با چالش‌های
فرهنگی بسیاری رودررو
ساخته و فشارهای اجتماعی را برای
مسطح کردن سازمان‌ها (سازمان‌های
تخت و دور از سلسله مراتب سازمانی و
اقتدار رسمی) بیشتر می‌کند. در چنین
شرایطی، توانمندسازی معلم به توجه
بیشتری نیاز دارد.

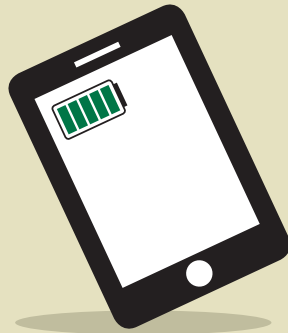


در جهان امروز، توانمندسازی
معلم برای غنی‌سازی فرایند
آموزش و یادگیری، از
مهم‌ترین راهبردهای تغییر و تحول در
آموزش است. تجربه‌های آمریکا، ژاپن و
آلمان نشان می‌دهد که بیش از برنامه‌های
آموزشی و درسی، لازم است به معلم و
فرایند تعامل او با دانش‌آموزان توجه
ویژه‌ای شود.



امروزه تلاش جهانی برای
بهسازی آموزش، به‌طور عام،
بیشتر از معلم، به سایر
عناصر تعلیم و تربیت توجه دارد؛
به‌طوری‌که در برنامه‌های راهبردی
وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌های آموزشی در
کشورهای مختلف جهان این توجه امری
طبیعی به‌نظر می‌رسد؛ چرا که ترویج نگاه
به آموزش و معلم در برنامه‌های راهبردی
امنیت ملی بسیار قابل توجه است.

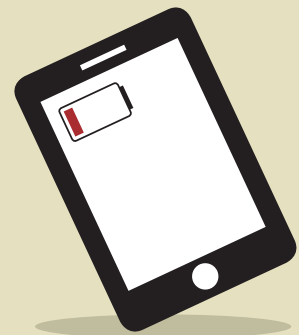




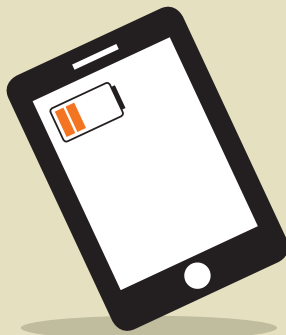
امروزه میان معلمان و دانش‌آموزان شکاف‌هایی وجود دارد که یکی از آنها



به رسانه‌های جدید مثل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر مربوط است. این رسانه‌ها از یک سو برای «دانش‌آموزان» فوق‌العاده جذاب و پرکشش‌اند، به‌ویژه که مهارت استفاده از آنها را به سرعت و آسانی فرامی‌گیرند، و از دیگر سو بسیاری از «معلمان» این رسانه‌ها را به‌خوبی نمی‌شناسند و مهارت استفاده از آنها را هم ندارند. این شکاف و شکاف‌هایی از این سنخ سبب می‌شود که معلمان و دانش‌آموزان در دو سپهر کاملاً متفاوت و بیگانه از هم تنفس و زندگی کنند.



آینده ملت‌ها به توانایی نظام آموزشی و توانمندی معلمان آن ملت در تربیت فرزندان آن بستگی دارد. برنامه‌های راهبردی اصلاحات آموزشی با رویکرد امنیت ملی، به صراحت، دولت‌ها و نهادهای مدنی را به یاری می‌طلبند تا برای «امنیت ملی» و «آینده کشور» اولویت نخست خود را «بهبودی آموزش» و «توانمندسازی معلمان» قرار دهند.



اگر بپذیریم که در آینده‌ای نه‌چندان دور تحولات شتابان علمی در عرصه‌های



گوناگون و از جمله در عرصه رسانه‌های پیشرفته‌تر و متنوع‌تر، و دسترسی به آنها سریع‌تر و ارزان‌تر خواهد شد، آنگاه ضروری است معلمان نیز به تناسب آن تحولات، علم، آگاهی و رشد بیشتری پیداکنند.

با مطالعه این نکات مهم که برای همه ما سودمند است، به یک نتیجه کلی می‌رسیم و آن اینکه همه ما نیازمند آشنا شدن با دانش جدیدی با عنوان «آینده‌پژوهی» هستیم. به نظر شما رسالت هر یک از ما که در نهاد آموزش و پرورش به فعالیت مشغولیم چیست؟

امروزه معلمان ما از نظر حقوق و مزایای شغلی و معیشتی در وضع مطلوبی



قرار ندارند، در حالی که در صورتی می‌توان معلمان را در حوزه‌های تخصصی خود آگاه و رشید و توانمند ساخت که آنان، دست کم در بند نیازهای اولیه زندگی خود نباشند.

از آنجا که در نظام آموزش و پرورش رسمی ما، تأکید می‌شود که



تعلیم و تربیت دینی نیز جاری و ساری باشد، ضروری است معلمان و مربیان در این حوزه و به اقتضای تعلیم و تربیت دینی، از مهارت‌های لازم برخوردار شوند. به‌ویژه که تعلیم و تربیت دینی نسبت به درس‌های فیزیک، شیمی و ریاضی به مراتب نیاز به مهارت‌های ظریف‌تر، لطیف‌تر، خطیرتر و پیچیده‌تر دارد. افزون بر این، معلمان و مربیان دینی باید انسان‌هایی خلاق، متخلق، اخلاقی و معنوی باشند.

مطالعه تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که دل‌نگرانی‌های بسیاری از



مدیران راهبردی کشورها در خصوص کیفیت آموزش و معلم جدی است. گسترش مرزهای دانش و اندیشه در مسائل آموزش و پرورش عالی، نیاز به بررسی، تجزیه و تحلیل تجربه‌های بین‌المللی را بیشتر کرده است.

در کشور ما نیز، به چند دلیل، ضروری است در خصوص توانمندسازی معلم توجه و سرمایه‌گذاری بیشتری بشود:

دریغی

* منابع در دفتر مجله موجود است.